



پژوهش درباره «روش‌شناسی حکم»؛ تلاشی برای تأسیس «فلسفه اصول فقه»

حجت‌الاسلام عرب‌صالحی از اتمام پژوهش و نگارش کتابی با عنوان «روش‌شناسی حکم» خبر داد و گفت: در این پژوهش بخشی از موارد لازم در تأسیس دانش فلسفه...

حجت‌الاسلام عرب‌صالحی از اتمام پژوهش و نگارش کتابی با عنوان «روش‌شناسی حکم» خبر داد و گفت: در این پژوهش بخشی از موارد لازم در تأسیس دانش فلسفه اصول فقه که شامل حکم‌شناسی و شناخت ماهیت حکم و برآیند روش‌شناختی آن است، بررسی کرده‌ایم.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد عرب‌صالحی، رییس پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، با اشاره به اتمام پژوهش و نگارش کتابش با عنوان «روش‌شناسی حکم» که در قالب طرحی پژوهشی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انجام گرفته است، به ارائه توضیحاتی در باب این پژوهش و اهمیت موضوع آن پرداخت.

عرب‌صالحی با اشاره به جایگاه موضوع این پژوهش، بیان کرد: از مباحثی که در حال رواج پیدا کردن در حوزه‌های علمیه است و اخیراً هم همایشی درباره آن برگزار شد بحث فلسفه اصول فقه است و کتاب «روش‌شناسی حکم» نیز بخشی از مسائل فلسفه اصول فقه را در بر می‌گیرد که شامل حکم‌شناسی و شناخت ماهیت حکم و برآیند روش‌شناختی آن است.

بسیاری از مسائل اصول فقه جایگاه مشخصی ندارند

وی اظهار کرد: از ابتدای شکل‌گیری اصول فقه از زمان مرحوم سیدمرتضی، مسائلی بوده‌اند که در اصول فقه جای مشخصی ندارد و با بقیه مباحث مخلوط شده و ضمن مسائل دیگر مطرح شده‌اند، اما در حقیقت جای این مسائل قبل از اصول فقه است. برای مثال گاهی اوقات «تعریف حکم» که اساس اصول فقه است در بحث «استصحاب احکام وضعی» مطرح شده است، یا برای مثال حسن و قبح که یک مسئله کلامی است در اصول فقه بحث شده است.

رییس پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افزود: این‌ها از جمله مواردی هستند که در اصول فقه جای خاص و مشخصی ندارند، اما بسیاری از بزرگان و فضلا که می‌شود از سردمداران‌شان به شیخ بهایی، عبدالله شتر، مرحوم علامه شعرانی و مرحوم غروی اصفهانی اشاره کرد، این گونه مبادی را که باید قبل از مباحث اصول مطرح شود و بخشی از فلسفه علم اصول است، جدا کرده و پیش از مباحث اصول مورد توجه قرار داده‌اند.

«روش‌شناسی حکم»؛ پژوهشی مبتکرانه

عرب‌صالحی در مورد کاری که در کتاب «روش‌شناسی حکم» انجام داده است، پژوهش انجام‌شده برای آن را پژوهشی مبتکرانه خواند و عنوان کرد: گرچه مسائل روش‌شناختی در اصول فقه زیاد است، منتها این که بحثی تحت عنوان مسائل فلسفه اصول فقه و حکم‌شناسی مطرح شود و بلافاصله برآیند روش‌شناختی آن مورد بررسی قرار گیرد، تا به حال از حیث ساختاری اثری این گونه دیده نشده است یا ما ندیده‌ایم. مقالاتی هم تحت عنوان حکم‌شناسی هست اما در آن‌ها بحث روش‌شناسی مطرح نشده است.

وی ادامه داد: ما در این کتاب بحث‌های مفصلی کرده‌ایم و وارد مبادی حکم و ساختار داخلی حکم شده‌ایم. انواع حکم را یکی یکی بررسی کرده‌ایم و برآیند روش‌شناختی هر کدام را مطرح کرده‌ایم. برای مثال راجع به این مسئله بحث کرده‌ایم که اگر حکم اعتباری باشد، آیا می‌تواند ظنات حجت باشد؟ یا وارد این بحث شده‌ایم که چرا خبر واحد در حکم‌شناسی حجت است و آیا در دیگر آموزه‌های دین مانند تفسیر، علوم انسانی و ... نیز حجت هست یا نیست؟

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان مثال به یکی از مباحث خود و نتایجی که این بحث دارد اشاره کرد و گفت: حکم مولوی و ارشادی یکی از بحث‌هایی است که من در این کتاب مطرح کرده‌ام و بر اساس نتیجه‌ای که خود بنده در این رابطه به آن رسیده‌ام، در حقیقت می‌شود گفت بسیاری از مسائلی که امروز تحت عنوان مستحب یا مکروه شناخته می‌شود همه زیر سؤال می‌رود.

عرب‌صالحی اظهار کرد: این نتیجه با توجه به مبنایی که ما انتخاب کرده‌ایم، حاصل شده و این مبنا را نمی‌شود در اصول فقه انتخاب کرد، بایستی در فلسفه اصول مشخص کرد که حکم مولوی یعنی چه و حکم ارشادی یعنی چه. بر اساس مبنایی که ما اتخاذ کرده‌ایم بیان شده است که بسیاری از مسائلی که تحت عنوان آداب مستحب مطرح شده، اصلاً از استحباب بیرون می‌آیند. در حقیقت مبنا این است که در مواردی که دنیوی محض باشند اصلاً فقیه نه می‌تواند حکم به استحباب بدهد و نه حکم به کراهت. در مواردی که دنیوی هستند آن چه بیان شده برای این بوده است که ما را راهنمایی کنند.

ضرورت آسیب‌شناسی اصول فقه به عنوان تنها روش‌شناسی مدون اسلامی

وی در تبیین بیشتر ضرورت این پژوهش عنوان کرد: قطعاً بحث فلسفه اصول فقه از ضروریات است که باید انجام شود. بسیاری از مسائل هست که تا کنون مطرح نشده و نه در اصول فقه و نه در جای دیگر به آن‌ها جواب داده نشده است. همچنین تنها روش‌شناسی مدونی که ما داریم اصول فقه است و باید کاملاً آسیب‌شناسی شود. بایستی اصول فقه موجود مورد بررسی قرار گیرد و مشخص شود که آیا کامل است یا نه و یا مسائل زائد آن چیست؟ مبنایی آن چیست؟ مبادی آن چیست؟ و

از چه روشی پیروی می‌کند؟ باید دید که آیا اصول فقه موجود می‌تواند در ابواب دیگر آموزه‌های دینی مانند تفسیر پاسخ‌گو باشد یا نه، و به علاوه آیا اصول فقه موجود می‌تواند در خدمت علوم انسانی اسلامی قرار بگیرد؟

ضرورت بررسی نسبت اصول با سایر علوم در راستای تأسیس «فلسفه اصول فقه»

عرب‌صالحی با بیان این که تنها بخشی از این مباحث را توانسته است در کتاب «روش‌شناسی حکم» مورد بررسی قرار دهد، عنوان کرد: ما بخشی از موارد لازم در تأسیس دانش فلسفه اصول فقه را در این تحقیق بررسی کرده‌ایم و بحث ترابط علم اصول با سایر علوم برای مثال با تفسیر و هرمنوتیک یا با علوم انسانی، مباحثی را می‌طلبد که باید مجزا کار شود و نمی‌توان در یک جلد کتاب به همه این‌ها پرداخت.

وی با بیان این که ضرورت این مباحث به تدریج دارد در جامعه علمی حس می‌شود، عنوان کرد: الان بعضی بزرگان مشغول تدریس فلسفه اصول فقه هستند. آیت‌الله آملی لاریجانی جزء اولین کسانی است که به تدریس این مباحث پرداخت و 8 سال این‌ها را تدریس کرد. آیت‌الله رشاد و بعضی بزرگان دیگر هم آغاز به تدریس و نگارش این مباحث کرده‌اند. در همایشی هم که چند وقت پیش در همین زمینه برگزار شد، یکی از مراجع، یعنی آیت‌الله سبحانی در این رابطه مقاله نوشت و سخنرانی کرد. ما سال گذشته هم یک جلد کتاب تحت عنوان «پیرامون فلسفه اصول فقه» همزمان با همایش مذکور منتشر کردیم که مجموعه مقالات و مصاحبه‌هایی در این زمینه است و کتاب ارزنده‌ای است.